

کاش خمینی در کنار شما بود و در جبهه دفاع برای خدا کشته می‌شد!

■ آنچه در فوق آمد، بخشی از پیام امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، پس از کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بود. به واقع هم بر اساس آموزه‌های دینی و هم واقعیت‌های میدانی، مردم ایران برای نیل به استقلال و آزادی، همواره شهادت و جانبازی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین هزینه‌های نیل به این هدف، در نظر داشتند و در ادوار گوناگون نهضت، از شکنجه‌گاه‌های رژیم شاه گرفته تا خیابان‌ها و میدان شهرها، بارها بدان تن دادند! با این همه، ماشین کشتار شاه نیز، تا زمانی معین کاربرد داشت و از مقطعی به بعد، بیشتر به وبال او تبدیل شد! در واقع شهیدان پاکباز و عمدتاً گمنام انقلاب اسلامی، با بذل جان خویش، شرایط را به جایی رساندند که شاه دیگر نتواند از کشتار مردم، به مثابه وسیله‌ای برای بقای خویش استفاده کند! در چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، یادشان را گرامی می‌داریم و به روح‌شان، درود می‌فرستیم.

آنان که با خون خویش، راهگشای استقلال ایران شدند



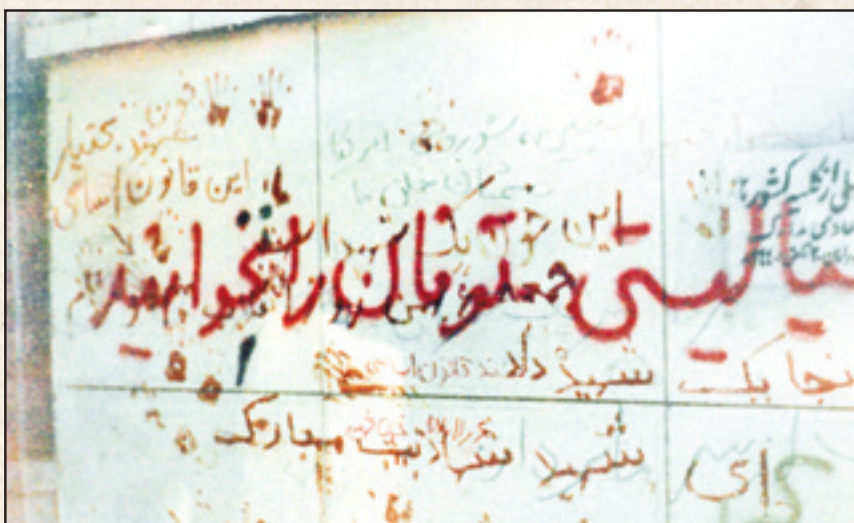
۲ دستانی که به خون شهیدان و مجروحان آغشته می‌شد، از نمادهای شاخص انقلاب به شمار می‌رفت و به تنهایی، به اندازه ده‌ها شعار و پلاکارد، در تحریک مردم اثر بخش بود.



۱ تصویر، لحظه‌ای را نشان می‌دهد که یکی از نظامیان، یکی از تظاهرکنندگان را، مستقیماً هدف گلوله قرار داده است! این عکس را قربان خلیلی از عکاسان انقلاب گرفت و در صفحه نخست روزنامه کیهان، با عنوان «دزن سرباز» آمد.



۴ در روزهای اوج گیری انقلاب اسلامی، مردم راهپیمایی کننده، بیکر شهیدی را به مقابل ساختمان روزنامه اطلاعات برده‌اند، که برای آنان الهام بخش و مسئولیت آفرین باشد!



۳ در مسیر راهپیمایی‌ها و نیز در مکان‌هایی چون دانشگاه تهران، برخی دیوارها به نمایشگاه‌هایی برای خون شهیدانی که در آن اطراف هدف گلوله قرار گرفته بودند، درآمده بود! تصویر، نما بانگر یکی از این دیوارهای آگاهی، است.



۶ نمایی از تشییع بیکر یکی از شهیدان انقلاب اسلامی، در بهشت زهرا، تهران. در بسیاری از روزهای خروش و عصیان، نبض انقلاب اسلامی در بهشت زهرا، تهران می‌زد!



۵ محمد واحدی، شهید ۲۳ ساله، داری یک فرزند، در روزهای انقلاب، از این دست تصاویر شهیدان، در میان مردم دست به دست می‌گشت و آنان را به مسئولیت خطیر خود، تذکار می‌داد.



۸ مزار شهیدان انقلاب اسلامی در بهشت زهرا، برای عکاسان خارجی، سوژه‌ای جذاب به شمار می‌رفت. آنان در این محل، اراده مردم برای براندازی یک رژیم وابسته را، عیناً مشاهده می‌کردند.



۷ نمایی از مزار شهیدان انقلاب اسلامی، در بهشت زهرا، تهران. مردم انقلابی در روزهای منتهی به پیروزی، حضور در این مکان را، یک فریضه می‌دانستند.

آیا پهلوی دوم اراده‌ای برای کشتار عمومی نداشت؟

موافقت با کودتای هایزر به مثابه صدور دستور قتل عام!

✽ نیما احمدپور

در سالیان اخیر، گذشته از تلویزیون‌های محور عبری - سعودی، عده‌ای از به اصطلاح تحلیلگران تاریخی داخلی نیز، به این‌انگاره روی آورده‌اند که: پهلوی دوم در فرآیند انقلاب اسلامی، اراده‌ای برای سرکوب و کشتار گسترده مردم نداشت و همین امر نیز، سقوط وی را رقم زد!... «در این فقره اشاره به نکاتی چند، ضروری می‌نماید: ۱- با نگاهی به فهرست شهدای انقلاب اسلامی، به نیکی می‌توان دریافت که کشتار انقلابیون، به مثابه یکی از راهکارهای کلان مهار انقلاب اسلامی، همواره مدنظر شاه و کارگزاران امنیتی او بوده است. بی تردید افسران گارد، بی دلیل مسلح نمی‌شده‌اند و بی دستور نیز، شلیک نمی‌کرده‌اند! با این همه در ماه‌ها و روزهای منتهی به اوج گیری انقلاب، دو امر موجب شد که ماشین کشتار شاه، اندکی کند شود! یکی: تأثیر معکوس کشتار و از فایده خارج شدن آن بود و دیگری پیوستن بخش زیادی از بدنه ارتش به مردم. گزارش‌های میدانی ارسال شده به فرمانداری نظامی، نشان می‌داد که کشتار در راهپیمایی‌ها، انگیزه‌های را بالا می‌برد و خروش مردم را افزون می‌سازد! دست‌هایی که آغشته به خون شهدا می‌شوند، از هر نمادی در تحریک عمومی مؤثرترند و به مردم، جرئت بیشتری می‌بخشند! (هرچند در سالیان اخیر، فرح دنیا خواسته و ناخواسته، طنزی به این مضمون آفرید: تظاهرکنندگان دست‌های خود را، در خون گوسفند می‌زدند و به دوربین‌ها، نشان می‌دادند). از سوی دیگر، بخش زیادی از کسانی که خود باید دست به کشتار می‌زدند، به صفوف معترضین پیوسته بودند و این کار را برآیند پیروزی به مدد کشتار، سخت می‌کرد! تا اینجا می‌توان نتیجه گرفت که شاه در اواخر عمر سلطنت خویش، اراده کشتار داشت اما توان آن را نداشت! ۲- جیمی کارتر در واپسین روزهای حکومت پهلوی، ژنرال رابرت هایزر را به ایران فرستاد که بسترهای انجام یک کودتا، از جنس آنچه در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ انجام شد را فراهم آورد! این در حالی بود که رئیس‌جمهور امریکا در همان روزها، در موقعیت‌هایی از جمله گوادالوپ، تظاهر می‌کرد که شاه را رها ساخته است! هایزر در همفکری با سران حکومت شاه، به این نتیجه رسید که سرکوب انقلاب اسلامی، جز با دستگیری رهبران این حرکت و نیز کشتار بدنه فعال آن در جامعه، مقدور نیست! این طرح در وهله نخست، مورد تأیید شاه و سپس اجرای آن، در دستور کار قرار گرفت! این کودتا، به منزله مهر تأییدی بر کشتن ده‌ها هزار تن از مردم ایران بود، که شاه برای بازگشت به ایران، آن را پذیرفت! به شهادت اسناد و تحلیل‌ها، عصر گاه ۲۱ بهمن و حکومت نظامی اعلام شده در آن، بستر مساعدی برای انجام عملیات کورتاژ قلمداد می‌شد. هو شیاری و دقت امام خمینی به شرایط میدانی و احتمالاً پارامای از اخبار که از سوی عناصر همسو در داخل ارتش به ایشان می‌رسید، موجب شد که ایشان حکومت نظامی را ابطال و مردم را به حضور در خیابان‌ها فراخواند. بدین ترتیب عملیات کورتاژ، که برای کشتار بخشی بزرگ از جامعه ایرانی طراحی شده بود، به شکست انجامید و این آخرین امید پهلوی دوم، نقش بر آب شد! ۳- آنان که در صدد بودند با کشتار عمومی، همچنان شاه را بر ملت ایران تحمیل کنند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با غائله‌هایی چون کردستان، خلق مسلمان، خلق عرب، ترورهای خیابانی و نهایتاً جنگ تحمیلی، همچنان ماشین کشتار را فعال نگاه داشتند و با مسلح ساختن گروهک‌ها و دادن سلاح‌های نامتعارف به صدام، همچنان به انتقام‌جویی از ملت ایران، بابت انقلاب اسلامی پرداختند! آنان تا هم‌اینک نیز با تحریم‌های گسترده پزشکی و غذایی و ایضا ترور نخبگان و دانشمندان این مرز و بوم، به شیوه دیگری از ملت ایران کشته می‌گیرند! دولت‌هایی که با خدعه و نیرنگ، سلسله پهلوی را بیش از پنج دهه بر ملت ایران مسلط کردند، راهی جز کشتار به اشکال گوناگون، بلد نیستند و همچنان نیز، به همان راه می‌روند!